

پژوهشهای حقوقی

شماره ۴

هزار و سیصد و هشتاد و دو - نیمسال دوم

مقالات

- محاکمه «صدام» و مسأله صلاحیت دادگاه از منظر حقوق داخلی و بین‌المللی
- رأی دیوان دادگستری بین‌المللی در قضیه سکّوهای نفتی: دیپلماسی قضائی در دادرسی بین‌المللی
- مشروعیت ساخت دیوار حائل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین از دیدگاه حقوق بشر و حقوق بشردوستانه
- آژانس چند جانبه تضمین سرمایه‌گذاری (میگا) و استانداردهای سرمایه‌گذاری خارجی
- بررسی امکان اعمال اصل ممنوعیت اعاده در مواجهه با حرکات گسترده آوارگان جنگی
- ماهیت حقوقی ضمانت نامه‌های بانکی در ایران

موضوع ویژه: حقوق بین‌الملل و تحکیم امنیت انمی

- ارزیابی تحکیم امنیت هسته‌ای و نظام عدم گسترش با معیار حقوق بین‌الملل عرفی
- سلاح‌های هسته‌ای، نقطه تلاقی حقوق توسل به زور و حقوق بشردوستانه بین‌المللی
- در پرتو رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری (۱۹۹۶)
- جایگاه اجرای موقت پروتکل الحاقی معاهده عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای در حقوق عمومی ایران
- حمایت از تأسیسات هسته‌ای در درگیری‌های مسلحانه

نقد و معرفی

- رأی وحدت رویه دیوان عالی کشور (مورخ ۱۳۸۲/۱۰/۲) در خصوص رسیدگی به دعوای اعسار قبل از حبس: گامی به سوی تطبیق قانون داخلی با تعهد بین‌المللی





http://jlr.sdil.ac.ir/article_44786.html

مشروعیت ساخت دیوار حائل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین از دیدگاه حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه

ویکتور دوکورا لوگو*

ترجمه: سید حسین سادات میدانی**

چکیده: عدم پای‌بندی رژیم اسرائیل به تعهدات بین‌المللی خویش در سرزمین‌های اشغالی فلسطین هر روز ابعادی جدید می‌یابد. ساخت «دیوار حائل» در سرزمین‌های اشغالی به ادعای مقابله با تروریسم و حفظ منافع امنیتی اسرائیل با بسیاری از موازین بین‌المللی حقوق بشر و حقوق بشر دوستانه کاملاً مغایرت دارد. موضوع بحث این مقاله که در ژانویه ۲۰۰۴ نگاشته شده است ارزیابی اقدام اخیر اسرائیل بر اساس حقوق بین‌الملل می‌باشد.

کلید واژه‌ها: سرزمین‌های اشغالی، دیوار حائل، حقوق بشر، حقوق بشر دوستانه، حقوق بین‌الملل، جنایت بین‌المللی

مقدمه مترجم

از روزهای پس از پایان جنگ شش روزه اعراب و اسرائیل، رژیم صهیونیستی اسرائیل همواره در حال بررسی طرح‌هایی جهت زمینه‌سازی انضمام سرزمین‌های

* Victor de Currea-Lugo

دکترای مطالعات امریکای لاتین و نویسنده کتاب زیر:

Derecho Internacional Humanitario y sector salud: el caso colombiano, ICRC, Bogotá, 1999.

** دانشجوی دوره دکترای حقوق بین‌الملل دانشگاه تهران

اشغالی فلسطینی بوده و گام‌هایی را در این خصوص برداشته است. از جمله این موارد به طرح ساخت دیوار حائل^۱ در داخل سرزمین اشغالی فلسطین^۲ می‌توان اشاره نمود. رژیم اسرائیل مبنای توجیه اقدام خویش - که مغایر با بسیاری از تعهدات بین‌المللی این کشور می‌باشد - را مبارزه با تروریسم و حفظ منافع امنیتی در قالب «ضرورت‌های جنگی» دولت اشغالگر می‌داند، حال اینکه اقدام این رژیم در ساخت دیوار در درون سرزمین اشغالی فلسطین از جمله شرق بیت‌المقدس با مخالفت و محکومیت بین‌المللی گسترده‌ای روبه‌رو گردیده است.^۳

با توجه به عدم پای‌بندی اسرائیل به تعهدات خویش و عدم پذیرش قطعنامه‌های ملل متحد، مجمع عمومی در ۸ دسامبر ۲۰۰۳ طی قطعنامه‌ای از دیوان بین‌المللی دادگستری تقاضای صدور نظریه مشورتی در خصوص مشروعیت ایجاد این دیوار را نمود.^۴ مقاله حاضر در زمره اولین مقالاتی است که به مسأله مشروعیت ساخت دیوار حائل بر اساس موازین بین‌المللی به ویژه حقوق بشر و حقوق بشردوستانه پرداخته است.

پیشگفتار

در ۶ فوریه ۲۰۰۱ آریل شارون به سمت نخست وزیر اسرائیل انتخاب گردید. شارون همان شب استاد دانشگاه آقای آرنون سوفر^۵ را احضار نمود و از او تقاضا کرد که در اسرع وقت با او ملاقات بنماید و نقشه‌های خویش را به همراه داشته باشد.

^۱ البته واژگان مستعمل بر این دیوار متفاوت بوده است. در حالی که فلسطینیان دیوار را «دیوار جداسازی» و «دیوار تبعیض نژادی» می‌نامند، اسرائیلی‌ها از آن به عنوان «نوار امنیتی» یاد می‌کنند. در این مقاله صرفاً از واژه «دیوار» استفاده گردیده است. (م)

^۲ بر اساس دیدگاه مورد پذیرش بین‌المللی «سرزمین اشغالی فلسطین» شامل مناطقی می‌گردد که پس از جنگ سال ۱۹۶۷ به اشغال نیروهای نظامی در آمده است. (م)

^۳ به طور مثال مجمع عمومی طی قطعنامه‌ای در تاریخ ۲۷ اکتبر ۲۰۰۳ از اسرائیل تقاضا نمود که ساخت دیوار در سرزمین اشغالی فلسطین را متوقف نموده و آن را مغایر با توافقات موجود در UN Doc. GA Res. 10/3 (AIRESIES-10/13) آتش‌بس ۱۹۴۹ قلمداد کرد.

^۴ UN Coc. GA Res. 10/14 (AIRESIES-10/14)

^۵ Amon Sofer

آقای سوفر کارشناس مسائل جمعیت‌شناسی فلسطین می‌باشد و با شارون گفت‌وگوهایی در خصوص امکان ساخت دیواری در کرانه باختری داشته است. شارون همچنین به وزیر مهاجرت خویش اعلام داشت که او از سال ۱۹۷۳ اندیشه ساخت پروژه‌ای اینچنین را در ذهن می‌پرورانده است.^۶

اسرائیل در مقام پاسخ به رسانه‌های بین‌المللی، حفاظت از خویش را به عنوان ابزاری برای جلوگیری از حملات به اسرائیل عنوان داشته است، بر این اساس حکومت اسرائیل برای توجیه دیوار و نشان دادن منافع آن این دیوار را «نوار امنیتی» نامیده است. در حقیقت سرچشمه اصلی اندیشه ساخت دیوار به این حملات باز نمی‌گردد و در واقع بخشی از طرح‌های شارون از سال‌های دور به شمار می‌آید. عبارت «به دلایل امنیتی» از سوی اسرائیل به منظور توجیه دیوار و سایر اقدامات انجام گرفته علیه مردم فلسطین ارائه گردیده است و مغایر حقوق بین‌الملل می‌باشد. این دیوار بر اساس حقوق بشردوستانه بین‌المللی و حقوق بشر مشخصاً غیرقانونی به شمار می‌آید. برای نشان دادن غیرقانونی بودن این دیوار حداقل به دو جنبه آن می‌توانیم بپردازیم، یکی خود دیوار و دیگری آثار ساخت دیوار. البته ضروری است ابتدائاً به قالب‌های حقوقی قابل اعمال در خصوص فلسطین پرداخته شود.

۱. قابلیت اعمال حقوق بین‌الملل نسبت به سرزمین فلسطین

اولاً اسرائیل یکی از اعضای متعاهد کنوانسیون ۱۹۴۹ ژنو می‌باشد. با این حال اسرائیل از اعمال کنوانسیون چهارم ژنو در مورد سرزمین‌های اشغالی خودداری می‌کند.^۷ از دیدگاه جامعه بین‌المللی^۸ نه تنها عدم اعمال کنوانسیون ممکن نیست،

^۶ "A Wall through their Heart", *Yedioth Ahronoth* Meron Rappoport, May 23, 2003.

^۷ رژیم اسرائیل مدعی است که به هنگام اشغال سرزمین‌های فلسطینی، این اراضی در اختیار اردن و مصر قرار داشته‌اند و بعنوان یک دولت مورد شناسایی قرار نگرفته بودند. به عبارت دیگر این اراضی به مفهوم «سرزمین‌های دول معظمه متعاهد» مندرج در ماده ۲ کنوانسیون چهارم ژنو نمی‌باشند.

^۸ قطعنامه ۶۸۱ شورای امنیت ملل متحد از دولت اسرائیل درخواست نمود که «به صورت رسمی

بلکه ضروری است که کلیه قواعد مندرج در کنوانسیون چهارم ژنو (مربوط به حمایت از افراد غیرنظامی در زمان جنگ) نسبت به سرزمین‌های فلسطینی به ویژه سرزمین‌های اشغالی اعمال گردد. «کنوانسیون نسبت به کلیه موارد اشغال جزئی یا کلی سرزمین هر یک از دولت‌های متعاقد اعمال خواهد گردید، حتی اگر اشغال بدون مقاومت مسلحانه صورت گرفته باشد».^۹

در خصوص قابلیت اعمال حقوق بشردوستانه بین‌المللی، کمیته بین‌المللی صلیب سرخ بیان داشته است که «اعمال کنوانسیون ژنو هیچ ارتباطی به حاکمیت طرف‌های یک درگیری پیدا نمی‌نماید. صرف نظر از وضعیت یک سرزمین، کنوانسیون ژنو نسبت به کلیه مواردی اعمال خواهد شد که سرزمین در جریان یک درگیری مسلحانه به اشغال در آمده باشد».^{۱۰}

ثانیاً اسرائیل بسیاری از کنوانسیون‌های حقوق بشری را در سال ۱۹۹۱ به تصویب رسانیده است.^{۱۱} نکته مهم در آن خصوص این است که اعمال معاهدات حقوق بشری نسبت به یک سرزمین اشغالی از سوی دولت اشغالگر به مفهوم حاکمیت آن دولت نسبت به آن سرزمین نمی‌باشد. در حقوق بین‌الملل «هر دولت عضو میثاق متعهد به رعایت و تضمین کلیه حقوق مورد پذیرش در میثاق ۱۹۶۶ حقوق مدنی و سیاسی، نسبت به افراد واقع در حوزه سرزمینی می‌باشند که در آن اعمال صلاحیت می‌نمایند».^{۱۲}

← اعمال کنوانسیون چهارم ژنو را در فلسطین بپذیرد. طی قطعنامه ۵۶/۶۰ مجمع عمومی، ملل متحد مجدداً تأکید نمود که کنوانسیون ژنو نسبت به سرزمین‌های فلسطینی قابل اعمال است.

^۹ ماده ۲ کنوانسیون چهارم ژنو در خصوص حمایت از افراد غیرنظامی در زمان جنگ (۱۹۴۹)

^{۱۰} David Krefzmer, "The Occupation of Justice: The Supreme Court of Israel and the Occupied Territories", quoted in: *Pengon: Stop the Wall in Palestine*, Palestine, 2003, p. 80.

^{۱۱} اسرائیل معاهداتی همانند میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶)، کنوانسیون بین‌المللی رفع کلیه اشکال تبعیض نژادی (۱۹۶۵)، کنوانسیون منع شکنجه و دیگر رفتارها و مجازات‌های بی‌رحمانه، غیربشری یا موهن (۱۹۸۴)، و کنوانسیون رفع کلیه اشکال تبعیض علیه زنان (۱۹۷۹) را به تصویب رسانیده است.

^{۱۲} ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)

سرزمین‌های فلسطینی بخشی از اسرائیل به شمار نمی‌آید، با این حال در حوزه صلاحیتی اسرائیل قرار دارد. اسرائیل یکی از کشورهای امضاکننده این معاهده به شمار آمده و نتیجتاً تعهداتی در قبال مردم سرزمین‌های اشغالی داراست.^{۱۳}

۲. حقوق مردم سرزمین‌های اشغالی

بر اساس حقوق بشردوستانه، ساکنین سرزمین‌های اشغالی از یکسری حقوق برخوردار می‌باشند:

«اشخاص مورد حمایت که در اراضی اشغال‌شده قرار گرفته‌اند، در هیچ مورد یا به هیچ نحو از مزایای این موافقت‌نامه خواه به موجب هر تغییری که به علت اشغال در سازمان یا در حکومت اراضی مزبور داده شده باشد، خواه به موجب موافقت‌نامه‌ای که بین مقامات اراضی اشغال‌شده و دولت اشغال‌کننده منعقد شده باشد و خواه به علت اینکه دولت اشغال‌کننده تمام یا قسمتی از اراضی اشغال‌شده را به خاک خود الحاق کرده باشد محروم نخواهند گردید».^{۱۴}

حقوق بشردوستانه همچنین تأکید دارد که «اشخاص مورد حمایت تحت هر شرایطی ذی‌حق به احترام شخص خود و شرافت خود و حقوق خانوادگی خود و اعتقادات و اعمال مذهبی و عادات و رسوم خود می‌باشند. در هر زمان باید با آنان با انسانیت رفتار گردد و باید در قبال هرگونه عمل خشونت‌آمیز یا تخویف و در مقابل دشنام و کنجکاوای عامه حمایت شوند».^{۱۵}

این دسته از هنجارها در موازین حقوق بشری که از سوی اسرائیل به تصویب رسیده است، نیز وجود دارد و یکسری از حقوق همانند حمایت از هر فرد «بدون هرگونه تبعیض بر اساس نژاد، رنگ، جنس، زبان، مذهب، بینش سیاسی و یا هر

¹³ See: Al-Haq, *The Applicability of Human Rights Law to Occupied Territories: The Case of Occupied Palestinian Territories*, Ramallah, 2003.

^{۱۴} ماده ۴۷ کنوانسیون چهارم ژنو در خصوص حمایت از افراد غیرنظامی در زمان جنگ (۱۹۴۹)

^{۱۵} ماده ۲۷، مقررات مشترک در مورد سرزمین‌های طرف‌های مشخصه و سرزمین‌های اشغالی، کنوانسیون چهارم ژنو در مورد حمایت از اشخاص غیرنظامی در زمان جنگ

عقیده دیگر، منشأ ملی یا اجتماعی، ثروت، نسبت با سایر وضعیت‌ها»^{۱۶} به رسمیت شناخته شده است.

حتی «دولت اشغالگر در حدود وسایل خود مکلف است احتیاجات اهالی را از حیث خواروبار و مواد طبی تأمین کند، از جمله باید خواروبار و مایحتاج طبی و هرگونه لوازم دیگر را در موقعی که منابع سرزمین‌های اشغالی کافی نباشد، از خارج وارد نماید»^{۱۷}.

۳. مشروعیت نفس ساخت دیوار

ساخت دیوار غیرقانونی است؛ در حقیقت وجود دیوار به طرق مختلف به مفهوم تضمین کنترل سرزمین‌های فلسطینی می‌باشد.^{۱۸} بر طبق حقوق لاهه «اموال خصوصی قابل مصادره نمی‌باشند».^{۱۹} دولت اسرائیل به منظور ساخت دیوار مبادرت به مصادره بسیاری از زمین‌ها و تخریب منازل، مغازه‌ها، مدارس، شبکه‌های آبرسانی و زمین‌های کشاورزی نموده است.

کنوانسیون چهارم ژنو بیان می‌دارد که:

«انهدام اموال منقول یا غیرمنقولی که افراداً یا اشتراکاً متعلق به اشخاص یا دولت یا شرکت‌های عمومی یا سازمان‌های اجتماعی یا تعاونی باشد توسط دولت اشغال‌کننده ممنوع است مگر در مواردی که انهدام آن‌ها به واسطه عملیات جنگی ضرورت حتمی یابد».^{۲۰}

حقوق لاهه نیز بیان می‌دارد که «مشخصاً تخریب یا توقیف دارایی دشمن ممنوع است مگر اینکه عمل تخریب یا توقیف بر اساس ضرورت‌های جنگی قابل قبول باشد».^{۲۱} شایان ذکر است که از دیدگاه بسیاری از کارشناسان مسائل حقوق

^{۱۶} ماده ۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)

^{۱۷} ماده ۵۵ کنوانسیون چهارم در خصوص حمایت از افراد غیرنظامی در حین جنگ (۱۹۴۹)

^{۱۸} B'TSELEM: *Behind the Barrier*, Jerusalem, March 2003.

^{۱۹} ماده ۴۶ کنوانسیون چهارم در خصوص قوانین و عرف‌های جنگ زمینی (لااهه، ۱۹۰۷)

^{۲۰} ماده ۵۳ کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹

^{۲۱} ماده ۲۳ (g) کنوانسیون چهارم لاهه ۱۹۰۷

بین‌المللی این «استثنا که تخریب کاملاً بر اساس عملیات‌های نظامی ضروری می‌باشد»، در این قضیه قابل اعمال نیست.^{۲۲} به طور مثال تصمیم‌گیری نسبت به اسکان بسیاری از یهودیان در بخش اسرائیلی دیوار به عنوان یک ضرورت نظامی قابل توجیه نمی‌باشد. ساخت دیوار تمام مردم فلسطین را متأثر ساخته و نوعی مجازات جمعی^{۲۳} محسوب می‌گردد. از دیدگاه حقوق بشردوستانه «مجازات‌های جمعی و همچنین اقدامات ارباب‌آمیز یا تروریستی ممنوع می‌باشد... به علاوه مقابله به مثل علیه اشخاص تحت حمایت و اموال آن‌ها منع گردیده است».^{۲۴}

اگرچه همیشه «دلایل امنیتی» محدودیت‌هایی را برای حقوق بشر به دنبال خواهد داشت، با این حال نمی‌توان حقوق بشر را بر اساس دلایل امنیتی غیرمنطقی محدود نمود.

یکی از اهداف ساخت دیوار، اسکان تقریباً کلیه یهودیان در کرانه باختری در بخش اسرائیلی دیوار و عملاً انضمام اکثر زمین‌های حاصلخیز به اسرائیل می‌باشد که منجر به انضمام گسترده سرزمین‌های فلسطینی می‌گردد. «در مرحله اول ساخت دیوار در کرانه باختری ۱۲۱/۴۵۵ هزار متر مربع از زمین‌ها^{۲۵} (۲٪) از کل کرانه باختری) عملاً به اسرائیل ضمیمه می‌گردد، اسرائیلی‌ها این بخش را منطقه امنیتی خوانده‌اند. «در حدود ۱۴/۶۸۰ هزار متر مربع از زمین‌ها به منظور زیرسازی دیوار با خاک یکسان گردیده‌اند... و تقریباً ۱۱۵۵۰ نفر از ۱۶۰ روستای مابین دیوار و خط سبز سال ۱۹۶۷، در منطقه‌ای که عملاً به اسرائیل ضمیمه گردیده‌اند و اسرائیل آن را «منطقه نظامی بسته»^{۲۶} نام نهاده، به محاصره در آمده‌اند.

اسکان یهودیان فی‌نفسه نقض فاحش حقوق بشردوستانه بین‌المللی به شمار می‌آید. «دولت اشغالگر نمی‌تواند به نقل مکان یا انتقال قسمتی از نفوس کشور خود

²² See for instance, B'TSELEM: *Behind the Barrier, op. cit*

²³ Collective Punishment

²⁴ ماده ۳۳ کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹

²⁵ هر هزار متر مربع برابر با یک دونوم می‌باشد.

²⁶ Pengon / Anti - Apartheid Wall Campaign: Fact Sheet. *The Wall's First Phase*, August 2003.

به اراضی که اشغال کرده است، مبادرت نماید.^{۲۷} از دیدگاه حقوق بین‌الملل این واقعیت که اسکان یهودیان غیرقانونی می‌باشد، موجب گردیده که هیچ اقدامی برای «مشروعیت بخشیدن» به آن قابل پذیرش نباشد.^{۲۸} با توجه علنی این اقدام بر اساس حضور شهرک‌نشینان در این منطقه عملاً در حال حاضر دیوار باعث انضمام حدود ۵۰ درصد از سرزمین کرانه باختری شده است.

همان‌گونه که گز ارشگر ویژه کمیسیون حقوق بشر بیان داشته است: «مسیر دیوار مرتباً با توجه به خواسته‌های شهرک‌نشینان و سایر گروه‌های ذی‌نفع سیاسی در اسرائیل تغییر می‌یابد. هیچ برداشت شفافی نسبت به ساخت دیوار وجود ندارد و به نظر می‌رسد که مسیر نهایی آن صرفاً به تغییرات نظامی و سیاسی داخل اسرائیل بستگی داشته باشد... شهرک‌سازی در شرق بیت‌المقدس و کرانه باختری، اصلی‌ترین منفعت ساخت دیوار است و تخمین زده می‌شود که حدود نیمی از ۴۰۰۰۰۰ مهاجر یهودی در قسمت اسرائیلی این دیوار اسکان داده شوند. نیازی به گفتن نیست که این اقدامات باید به نحوی انجام پذیرد که اسکان غیرقانونی را نیز شامل گردد، مسأله‌ای که موضوع مذاکرات اسرائیل و فلسطین بوده است... به دیوار باید از زاویه اقدامات اسرائیل در خصوص شهرک‌نشین یهودیان و انضمام غیرقانونی شرق بیت‌المقدس نگریست».^{۲۹}

دیوار تأثیرات نامطلوبی بر جمعیت فلسطینی دارد. بر اساس گزارش مؤسسه B'tselem «این موانع مستقیماً به حداقل ۲۱۰/۰۰۰ نفر فلسطینی که در ۶۷ روستا و شهر زندگی می‌کنند، زیان خواهد رسانید».^{۳۰} به علاوه دولت اسرائیل مبادرت به ساخت برخی از پروژه‌های زیربنایی در سرزمین‌های فلسطینی (همانند ساخت بزرگراه) به منظور تسهیل عملیات جابجایی جمعیت اسرائیلی نموده است.

^{۲۷} ماده ۴۹ کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹

^{۲۸} این بدین مفهوم نیست که اقدامات اتخاذی برای حمایت از شهرک‌ها غیرقانونی است.

^{۲۹} Dugard, John, "Question of the Violation of Human Rights in the Occupied Arab Territories, including Palestine", Report of the Special Rapporteur of the Commission on Human Rights, E/CN.4/2004/6, 8, 8 September 2003.

^{۳۰} B'TSELEM; *op. cit.*, p. 9.

مجموع این سیاست‌ها ناقض کنوانسیون بین‌المللی در خصوص رفع کلیه اشکال تبعیض نژادی ملل متحد (۱۹۵۵) می‌باشد. در کنار تلاش‌های گذشته و حال که طی مذاکرات مربوط به فرآیندهای صلح و مرزهای جدید پیشنهادی انجام می‌پذیرد، این دیوار مرز جدیدی را بین فلسطین و اسرائیل ایجاد می‌نماید و نه تنها ادعاهای مردم فلسطین نسبت به سرزمین خویش را نادیده می‌گیرد، بلکه مغایر قطعنامه‌های ملل متحد در خصوص مسأله مرز می‌باشد.

منشور ملل متحد مشخص نموده است که «کلیه اعضا ملل متحد باید در روابط بین‌المللی خویش از تهدید یا توسل به زور علیه تمامیت سرزمینی یا استقلال سیاسی هر دولت یا هر روش دیگری که با اهداف ملل متحد در تعارض است، خودداری نمایند».^{۳۱} به علاوه مجمع عمومی نیز اعلام داشته است که «سرزمین یک دولت نباید از سوی دولت دیگر موضوع اکتساب ناشی از تهدید یا توسل به زور شود. هیچ اکتساب سرزمینی ناشی از تهدید یا توسل به زور نباید قانونی تلقی گردد».^{۳۲} همچنین باید نظر گز ارشگر ویژه را نیز لحاظ نمود. به عقیده ایشان «انضمام بدین گونه در حقوق بین‌الملل نام دیگری یعنی فتح^{۳۳} دارد. ممنوعیت توسل به زور مندرج در منشور ملل متحد، فتح یا اکتساب سرزمین از این طریق را غیرقانونی ساخته است».^{۳۴}

این دیوار محصول مشترک اسکان یهودیان و سیاست‌های بسته‌ای است که مانع دائمی را به موانع قبلی که از طریق ایستگاه‌های بازرسی وجود داشته است، می‌افزاید. به علاوه این اقدام به یک مفهوم مصادره دائمی اموال خصوصی به شمار می‌آید.

^{۳۱} ماده ۲ بند ۴ منشور ملل متحد (۱۹۴۵)

^{۳۲} قطعنامه ۲۶۲۵ مجمع عمومی ملل متحد مورخ اکتبر ۱۹۷۰

^{۳۳} Conquest

^{۳۴} Dugard, "Question of the Violation...", *op. cit*

۴. آثار ساخت دیوار

تاکنون ساخت دیوار تأثیراتی بر شرایط زندگی مردم داشته است و بر این اساس حقوق آن‌ها نیز در مناطقی که دیوار ساخته شده، متأثر گردیده است. هیچ دلیلی وجود ندارد که تصور نمائیم چنانچه دیوار در جوامع دیگری ساخته می‌شد، می‌توانست آثار متفاوتی داشته باشد. گزارش Bertini به عنوان مشهورترین گزارش ملل متحد در خصوص وضعیت بشردوستانه در فلسطین نشانگر این مطلب است که بدون شک محاصره، ساخت دیوار، حکومت نظامی و ایستگاه‌های بازرسی استراتژی‌هایی هستند که بر سلامت، آموزش، کار و همچنین حق آزادی رفت و آمد و اموال تأثیرگذار بوده‌اند.^{۳۵} در این گزارش آمده است:

«فلسطینیان به انحاء مختلف در محاصره، حصار، حکومت نظامی، بسته شدن جاده‌ها و محدودیت‌هایی هستند که تقریباً منجر به اضمحلال اقتصاد فلسطینی‌ها، بالا رفتن نرخ بیکاری، افزایش فقر، کاهش فعالیت‌های بازرگانی، دسترسی محدود به خدمات اساسی (مانند آب، مراقبت‌های پزشکی، آموزش، خدمات اضطراری) و افزایش وابستگی به کمک‌های انسان‌دوستانه گردیده است. این محدودیت‌ها تقریباً بر کلیه فعالیت‌ها تأثیرگذار بوده و موجب شده که اکثر فلسطینیان نتوانند از یک زندگی عادی برخوردار باشند و زندگی آن‌ها در شرایط سختی، همراه با محرومیت و اهانت به حیثیت بشری انجام می‌گیرد (...). اتفاق نظری میان کلیه طرف‌ها وجود دارد که رژیم کنونی محاصره و حکومت نظامی اثرات مخربی بر وضعیت اقتصادی و بشردوستانه مردم فلسطین داشته است، مسأله‌ای که مورد تأیید این گزارش نیز می‌باشد».^{۳۶}

ساخت دیوار گامی دیگر در راستای این سیاست به شمار می‌آید. بنابراین می‌توان پیش‌بینی نمود که آثار ساخت دیوار بر حقوق مردم فلسطین چنان‌چه منفی‌تر نباشد، مشابه وضعیت‌های قبل باشد. همان‌گونه که ذیلاً نشان داده شده

³⁵ Bertini, Catherine: *Personal Humanitarian Envoy of the Secretary-General, Mission Report*, 2002.

³⁶ Comments 3 and 12, Bertini, Personal Humanitarian, *op. cit.*

است، در مکان‌هایی که دیوار ساخته شده است، حقوق مربوط به آزادی رفت و آمد، اموال، سلامتی، آموزش، کار، غذا، آب و آزادی مذهب تا زمانی که دیوار وجود داشته باشد، قابل تضمین نخواهد بود.

۴-۱. حق آزادی رفت و آمد

بر اساس حقوق بشر «هرکس حق دارد که در داخل هر کشوری آزادانه عبور و مرور کند و محل اقامت خود را انتخاب نماید»^{۳۷} به علاوه «هرکس قانوناً در سرزمین دولتی مقیم باشد حق عبور و مرور آزادانه و انتخاب آزادانه مسکن خود را در آنجا خواهد داشت»^{۳۸}.

کنوانسیون چهارم ژنو تصریح دارد «انتقال اجباری جمعی یا انفرادی و نقل مکان اشخاص مورد حمایت از اراضی اشغال‌شده به خاک دولت اشغال‌کننده یا به خاک هر دولت دیگری اعم از اینکه اشغال شده یا نشده باشد به هر علتی ممنوع است»^{۳۹}.

محدودیت‌های اعمال‌شده نسبت به حق رفت و آمد به وضوح بر فعالیت‌های کلیه فلسطینیان تأثیرگذار بوده است. در خصوص حقوق بشردوستانه بین‌المللی، به طور مثال آثار دیوار بر شهر قلقلیه نمونه‌ای است که می‌توان آن را «انتقال گسترده و اجباری»^{۴۰} نامید و مردم فلسطین هیچ امکانی برای تداوم حیات خویش ندارد. شهر قلقلیه با ۴۰/۰۰۰ نفر جمعیت به طور کامل به وسیله دیوار به محاصره درآمده است و ساکنان آن صرفاً می‌توانند از یک ایستگاه بازرسی نظامی از ساعت ۷ صبح تا ۷ شب، وارد یا خارج شوند»^{۴۱}.

بر طبق اطلاعات مؤسسه Pengon تحقیر وجه مشترک در هر ورودی شهرهایی

^{۳۷} ماده ۱۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)

^{۳۸} ماده ۱۲ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)

^{۳۹} ماده ۴۹ کنوانسیون چهارم ژنو (۱۹۴۹)

^{۴۰} Mass Forcible Transfer

^{۴۱} Dugard, *op. cit.*

است که به محاصره درآمده است یا دروازه‌هایی است که در مسیر دیوار قرار گرفته‌اند. سربازان اسرائیلی مشخصاً تصمیم می‌گیرند که چه شخصی مجاز به عبور است و اینکه دروازه‌ها چه زمانی باید باز شوند. تاکنون موارد مختلفی از زد و خورد، تحقیر و سوءاستفاده فیزیکی به ثبت رسیده است. در روستای Azzum Atma در ناحیه قلقیلیه در یک روز هر یک نفر صرفاً می‌تواند دو بار و آنهم ظرف کمتر از ۱۵ دقیقه وارد گردد، البته این مدت زمان مشخص نیست. به علاوه عبور به طور کامل منوط به این است که آیا نظامیان اسرائیلی دروازه‌ها را باز نموده‌اند یا خیر؟

۲-۴. حق افراد نسبت به اموال خویش

اعلامیه جهانی حقوق بشر صراحتاً بیان می‌دارد که «هر شخص منفرداً یا مجتمعاً حق مالکیت دارد و احدی را نمی‌توان خودسرانه از حق مالکیت محروم نمود». ^{۴۲} هر دو میثاق مهم حقوق بشری نیز تصریح نموده‌اند که کلیه افراد می‌توانند برای نیل به هدف‌های خود در منابع و ثروت‌های طبیعی خود... آزادانه هرگونه تصرفی بنمایند». ^{۴۳}

تنها در جریان مرحله اول ساخت دیوار، ۱۰۲/۳۲۰ درخت زیتون، مدارس، ۸۵ ساختمان تجاری و ۳۰ کیلومتر از شبکه آب رسانی تخریب گردیده‌اند و ۱۴/۶۸۰ هزار متر مربع از زمین‌ها با خاک یکسان و یا مصادره گردیده‌اند. ^{۴۴} مرحله اول ساخت دیوار بر ۶۵ منطقه تأثیرگذار بوده است. ^{۴۵}

همچنین ۲۱۸ ساختمان در روستای Nazlat Isa ویران گردیده‌اند که اکثر آن‌ها مغازه بوده‌اند، ۵ خانه نیز برای ساخت دیوار تخریب شده‌اند. حداقل ۷۵ مغازه، ۲۰ کارخانه، ۲۰ منزل و ۱ مدرسه ابتدایی دارای مجوز تخریب می‌باشند که انتظار

^{۴۲} ماده ۱۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)

^{۴۳} ماده ۱ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶) و ماده ۱ میثاق حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)

^{۴۴} Pengon, *op. cit.*, p. 15.

^{۴۵} Pengon, *op. cit.*, p. 27.

می‌رود در آینده نزدیک تخریب گردند.^{۴۶}

طی دستوری در ۲ اکتبر ۲۰۰۳ سرزمین‌های واقع بین دیوار و خط سبز^{۴۷} که «منطقه درز»^{۴۸} نامیده شده‌اند، به عنوان «منطقه نظامی بسته» مشخص گردید. به موجب این دستور عبور و مرور کلیه افراد در این مناطق ممنوع گردید، لیکن اندکی بعد اسرائیلی‌ها از این مقرر استثنای گردیدند و فلسطینیان نیز می‌توانند تنها در ساعات کار و به شرط دریافت مجوز وارد این منطقه شوند. این دستور و انضمام سرزمین فلسطین به اسرائیل موجب افزایش کنترل آن‌ها نسبت به مردم فلسطین شده است. در مخالفت با این تلاش غیرقانونی برای ضمیمه نمودن سرزمین فلسطین، کشاورزان منطقه Barta aash Sharqiyya از درخواست مجوز ورود خودداری نموده‌اند. سربازان اسرائیل در مقابل به عنوان مجازات این مقاومت کشاورزان، به مدت ۱۵ روز به طور متوالی دروازه‌های دیوار را بستند و تمام روستا را در محاصره کامل بدون دسترسی به آب و غذا قرار دادند.

۳-۴. حق بر سلامتی

«حق هرکس به تمتع از بهترین حال سلامت جسمی و روحی»^{۴۹} در حقوق مورد تأیید قرار گرفته است. به موجب حقوق بشردوستانه «دولت اشغالگر در حدود کلیه امکانات خود موظف است با معاضدت مقامات محلی تأسیسات و خدمات طبی و بیمارستانی و سلامت و بهداشت عمومی را در اراضی اشغالی از جمله با اتخاذ و اجرای تدابیر دفاعی و پیشگیری لازم جهت مبارزه با توسعه بیماری‌های واگیردار و امراض مسری تأمین و نگاهداری نماید. کارکنان بهداشتی از هر طبقه مجاز خواهند بود که وظایف خود را اجرا کنند»^{۵۰}

⁴⁶ Pengon/Anti - Apartheid Wall..., *op. cit.*

⁴⁷ Green Line

⁴⁸ Seam Zone

^{۴۹} ماده ۱۲ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶)

^{۵۰} ماده ۵۶ کنوانسیون چهارم ژنو (۱۹۴۹)

بر خلاف این تعهدات دولت اشغالگر، اسرائیل هیچ توجهی به آن‌ها نداشته و در عوض حق بهداشت را به طور جدی نقض نموده است. در خصوص دسترسی به خدمات پزشکی، در گزارش برتینی آمده است:

«محدودیت‌های اعمال‌شده که تداوم یافته‌اند مانع دسترسی بسیاری از فلسطینیان نیازمند به خدمات پزشکی و بهداشتی شده است. این مسأله به ویژه در مورد مردم سرزمین‌هایی که در آن حکومت نظامی وجود داشته و بیشتر از ۶۰ درصد از مردم کرانه باختری که در مناطق روستایی زندگی می‌نمایند، وجود دارد. آن‌ها نیازمند دسترسی به بیمارستان‌ها و سایر امکانات ثانویه سلامتی اورژانسی و عادی در شهرها و شهرستان‌ها می‌باشد. بنابر گزارش‌ها تعداد مراجعان بسیاری از بیمارستان‌ها کاهش چشمگیری داشته است. به طور مثال ۴۹ درصد از مراجعان عمومی، ۷۳ درصد از مراجعان خدمات ویژه و ۵۳ درصد از عمل‌های جراحی بیمارستان St Luke در نابلس کاهش یافته است».^{۵۱}

بر طبق گزارش‌های واصله در خصوص آثار ساخت دیوار بر برخی از جوامع، می‌توان نتیجه‌گیری نمود که این دسته از نقض‌ها به دلیل وجود دیوار ویژگی دائمی خواهد داشت. در حال حاضر به دلیل وجود دیدار تعداد بی‌شماری از بیمارستان‌ها و خانه‌ها در این مناطق به پزشک دسترسی نداشته و از بیمارستان و کلینیک‌های پزشکی محروم مانده‌اند. به طور مثال بر اساس اطلاعات Pngon به دلیل وجود دیوار، بیمارستان UNWRA در قلقیلیه به روی کلیه آوارگان فلسطینی در شمال کرانه باختری (باستثنا ساکنین قلقیلیه) که قرار بوده است به آن‌ها کمک‌های پزشکی ارائه شود، بسته گردیده است». در Azzu Ama محدودیت‌ها آنچنان گسترده می‌باشند که ملاقات با کارکنان پزشکی نیز دارای محدودیت است، پزشک روستا که دو روز در هفته به روستا سر می‌زده است، در حال حاضر، هر هفته فقط ۴ ساعت می‌تواند وارد این روستا شود.

⁵¹ Comments 34 Bertini..., *op. cit*

۴-۴. حق آموزش

حق هر شخص بر آموزش در حقوق بین‌الملل بدین گونه آمده است: «... هدف آموزش و پرورش باید رشد کامل شخصیت انسانی و احساس حیثیت آن و تقویت احترام حقوق بشر و آزادی‌های اساسی باشد».^{۵۲} در حقوق بشردوستانه نیز «دولت اشغالگر باید با همکاری مقامات ملی و محلی اداره مؤسسات مخصوص پرستاری و آموزش کودکان را تسهیل نماید».^{۵۳} تنها در تولکرم ۶۵۰ تن از معلمان (از ۱۹۶۴ معلم) برای دسترسی به کلاس‌های خویش با مشکل مواجه گردیده‌اند.^{۵۴}

کودکان روستاهای راس تیرا و دبا واقع در منطقه قلقیلیه اغلب قادر به شرکت در مدارس خویش در مناطق همسایه به دلیل وجود دیوار نمی‌باشند. در جنوب‌ا^{۵۵} در جنوب تولکرم، باز شدن دروازه‌های دیوار برای ساعت‌ها به تأخیر می‌افتد و دانش‌آموزان را مجبور می‌سازد که پس از مدرسه برای بازگشت به خانه‌هایشان در روستاها پشت دروازه‌ها منتظر بمانند. در Baqa ash sharqiyya در شمال تولکرم معلمان برای عبور از دروازه‌ها و حضور در سرکار خویش نیازمند مجوز کتبی می‌باشند. در Azzun Atna دانش‌آموزان جوان تا بدان اندازه قربانی آزار و اذیت سربازان اسرائیلی بوده‌اند، که از حضور در مدرسه صرف‌نظر کرده‌اند.

۴-۵. حق کار

به موجب اعلامیه جهانی حقوق بشر، «هرکس حق دارد کار کند، کار خود را آزادانه انتخاب نماید، شرایط منصفانه و رضایت‌بخشی برای کار خواستار باشد و در مقابل بیکاری مورد حمایت قرار گیرد».^{۵۶} حق بر کار شامل «حق هر شخص در جهت فرصت برای دسترسی به امرار معاش از طریق کار»^{۵۷} می‌گردد.

^{۵۲} ماده ۱۳ میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶)

^{۵۳} ماده ۵ کنوانسیون چهارم ژنو ۱۹۴۹

^{۵۴} World Bank: The Impact of..., *op. cit.*, p. 39.

^{۵۵} Jubara

^{۵۶} ماده ۲۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)

^{۵۷} ماده ۶ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۹۶۶)

با ساخت دیوار، سرزمین‌هایی که از مستعدترین زمین‌های کشاورزی می‌باشند در «بخش اسرائیلی» قرار خواهد گرفت. فرمان نظامی ۲ اکتبر که بدان اشاره گردید، عدم امکان دسترسی کشاورزان بیش از ۵۰ روستا به مزارع خویش که به دلیل وجود دیوار دور افتاده‌اند را تکمیل می‌نماید. این امر منجر به زیان‌های اقتصادی شدیدی در بسیاری از نواحی گردیده است. همچنین گزارش گردیده است که حدود ۶۰۰ مغازه و شرکت به دلیل ساخت دیوار در قلمرو تعطیل گردیده‌اند.^{۵۸}

بر طبق گزارش مؤسسه Pengon، منطقه Naslat Isa که بین دیوار و خط سبز سال ۱۹۶۷ به دام افتاده، به دلیل ساخت دیوار کلیه بازار اقتصادی خویش را از دست داده است. شرق دیوار حائل که در این منطقه ساخته شده است و قسمت اعظم زمین‌های روستایی به «بزرگراهی برای اسرائیل» مبدل گردیده است، بزرگراهی که شبکه راه‌های اسرائیل و جاده‌های شهرک‌ها را به هم مرتبط می‌سازد. مصادره زمین‌ها، تخریب و محدودیت‌های شدید رفت و آمد به مفهوم از دست دادن حداقل ۶۵۰۰ فرصت شغلی می‌باشد. در تولکرم که به دلیل وجود دیوار، مردم نمی‌توانند برای کار خویش رفت و آمد نمایند، نرخ بیکاری از ۱۸ درصد در سال ۲۰۰۰ به ۷۸ درصد در بهار ۲۰۰۳ رسیده است.^{۵۹} در منطقه قلمرو حصار دیوار موجب کاهش برداشت محصول گویا و ۶۰ برای اغلب کشاورزان گردیده است و در روستای جوبارا تنها کشاورزانی که دارای مجوز کتبی بوده‌اند، توانسته‌اند برای برداشت محصول به زمین‌های خویش بروند. در منطقه Jayyus، ۱۱۶ کشاورز از درخواست مجوز خودداری نمودند و اسرائیل به طور کامل از دسترسی آن‌ها به زمین‌هایشان ممانعت به عمل آورده است.

۴-۶. حق بر غذا و آب

میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی حق هر کس را به داشتن سطح

⁵⁸ Dugard, "Question of the Violation...", *op. cit*

⁵⁹ Pengon / Anti..., *op. cit*

⁶⁰ Guava

زندگی کافی برای خود و خانواده‌اش شامل خوراک، پوشاک و مسکن کافی همچین بهبود مداوم شرایط زندگی به رسمیت می‌شناسد. کشورهای طرف این میثاق به منظور تأمین تحقق این حق تدابیر مقتضی اتخاذ خواهند کرد و از این لحاظ اهمیت اساسی همکاری بین‌المللی بر اساس رضایت آزاد را قبول دارند. ... کشورهای طرف این میثاق با اذعان به حق اساسی هرکس به اینکه از گرسنگی مصون باشد منفرداً و از طریق همکاری بین‌المللی تدابیر لازم از جمله برنامه‌های مشخصی به قرار ذیل اتخاذ خواهند کرد: الف - بهبود روش‌های تولید و حفظ و توزیع خواربار با استفاده کامل از معلومات فنی و علمی با اشاعه اصول آموزش تغذیه و با توسعه یا اصلاح نظام زراعی به نحوی که حداکثر توسعه مؤثر و استفاده از منابع طبیعی را تأمین نمایند.^{۶۱}

با توجه به وضع کشاورزان «محدودیت اصلی همانند بسیاری دیگر از موارد مربوط به اشتغال و تولید، دسترسی می‌باشد. کشاورزان قادر نیستند که به دلیل بسته بودن جاده‌ها و همچنین جاده‌های ویران که به وسیله نیروی مسلح اسرائیل^{۶۲} موسوم به «نیروی دفاعی اسرائیل» تخریب گردیده‌اند، تهدیدات و خشونت ناشی از شهرک‌نشینان مجاور و مجوزهای جدیدی که در برخی موارد تنها برای دسترسی به مزارع طرف دیگر جاده است، به مزارع خویش دسترسی یابند».^{۶۳} پس از ساخت دیوار، این دسته از محدودیت‌ها دائمی خواهند بود، به ویژه اینکه پیشنهاد اسرائیل تصریح دارد که هر کشاورز نیازمند یک مجوز خاص برای عبور جهت دسترسی به زمین خویش می‌باشد. به طور مثال «تقریباً ۲۰۰۰۰ نفر در حدود ۳۱۷۵ خانواده در بخش شرقی دیوار قرار خواهند گرفت حال اینکه زمین‌های کشاورزی آن‌ها در بخش غربی واقع شده‌اند و بدین ترتیب وسیله امرار معاش، خوراک و میراث خویش را از دست خواهند داد».^{۶۴}

در Bartá aash Sharqiyya سربازان غذای خویش را از کشاورزان دریافت

^{۶۱} ماده ۱۱ میثاق حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی

^{۶۲} Israeli Defence Force

^{۶۳} Comment 50, Bertini, Personal..., *op. cit.*

^{۶۴} Pengon / Anti - Apartheid Wall..., *op. cit.*

می‌دارند و ادعا نموده‌اند که صرفاً میزان معینی از غذا (که توسط سربازان تعیین می‌گردد) از دروازه دیوار عبور گردد. بدین ترتیب سربازان تصمیم می‌گیرند که چه میزان غذا برای هر خانواده کافی می‌باشد.

ساخت دیوار همچنین دسترسی مناطق به آب را از طرق ذیل مختل ساخته‌اند: تخریب لوله‌های آبرسانی به مزارع، تخریب لوله‌های آبرسانی و عدم امکان نصب مجدد لوله‌ها در اثر ساخت دیوار، عدم دسترسی مناطق به چاه، عدم دسترسی تانکرها به چاه یا مناطق و تخریب آب‌انبارها و مخازن آب.^{۶۵} در مرحله اول ساخت دیوار، «مناطق از دسترسی به ۳۶ حلقه چاه و بیش از ۲۰۰ آب‌انبار محروم مانده‌اند و خطر انهدام ۱۴ حلقه چاه در منطقه حائل»^{۶۶} وجود دارد. به دلیل زیرسازی دیوار، بلدوزرهای اسرائیلی حدود ۳۵۰۰۰ متر از لوله‌های آبرسانی و ۲۵ حلقه چاه و آب‌انبار که دارای مصارف کشاورزی و خانگی بوده‌اند را تخریب نموده‌اند.

۴-۷. حق آزادی مذهب

بر اساس حقوق بشر «هر کس حق آزادی فکر و وجدان و مذهب دارد. این حق شامل آزادی داشتن یا قبول یک مذهب یا اعتقادات به انتخاب خود، همچنین آزادی ابراز مذهب یا معتقدات خود، خواه به طور علنی یا مخفیانه در عبادات و اجرای آداب و اعمال تعلیمات مذهبی می‌باشد».^{۶۷} همچنین بر طبق حقوق بشردوستانه بین‌المللی «دولت اشغالگر به روحانیون مذهبی اجازه خواهد داد که کمک روحانی هم‌کیشان خود را تضمین نمایند».^{۶۸}

به طور مثال در بیت‌لحم به دلیل ساخت دیوار مردم نمی‌توانند به معبد راشل بروند. محدودیت رفت و آمد همچنین بر دسترسی به اماکن مقدس و مساجد نیز

^{۶۵} Pengon: The Wall..., *op. cit.*, pp. 57-58.

^{۶۶} Buffer Zone

^{۶۷} ماده ۱۸ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (۱۹۶۶)

^{۶۸} ماده ۵۸ کنوانسیون چهارم ژنو (۱۹۴۹)

تأثیرگذار بوده است.

۵. دیوار به عنوان یک سیاست نژادپرستی (آپارتاید)

واژه آپارتاید همانند بسیاری از موارد دیگر در خصوص دیوار حائل نیز قابل اطلاق است. در حقوق بین‌الملل آپارتاید عبارت است از:

«واژه جنایت آپارتاید که شامل سیاست‌ها و رویه‌های مشابه جدایی نژادی و تبعیض نژادی... می‌گردد، به رفتارهای غیرانسانی ذیل که به منظور ایجاد و برقراری سلطه یک گروه نژادی بر گروه نژادی دیگر انجام می‌گیرد و به طور سیستماتیک آنان را مورد ظلم قرار می‌دهد نیز اطلاق می‌گردد:

الف - انکار حق حیات یا آزادی شخصی در مورد عضو یا اعضای یک گروه یا گروه‌های نژادی از طریق:

۱. قتل عضو یا اعضا یک گروه یا گروه‌های نژادی

۲. وارد آوردن صدمات شدید روحی و جسمی بر یک گروه یا گروه‌های نژادی به وسیله نقض آزادی یا حیثیت آن‌ها و یا شکنجه نمودن، یا انجام رفتار و یا مجازات ظالمانه، غیرانسانی و ترضیلی در مورد آن‌ها.

۳. از طریق حبس خودسرانه و غیرقانونی اعضای گروه و یا گروه‌های نژادی.
ب - تحمیل تعمدی شرایط زندگی بر یک گروه نژادی که غرض از آن نابودی تمام یا قسمتی از گروه یا گروه‌های مزبور باشد.

ج - هرگونه اقدامات قانونی و یا اقدامات دیگر که منظور از آن‌ها بازداشتن گروه و یا گروه‌هایی از مشارکت در زندگی سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، و فرهنگی کشور ایجاد تعمدی شرایطی جهت جلوگیری از توسعه یک چنین گروه یا گروه‌هایی به ویژه با محروم کردن اعضای یک گروه و یا گروه‌های نژادی از حقوق بشر و آزادی‌ها شامل: حق کار، حق تشکیل اتحادیه‌های کارگری مجاز، حق تحصیل، حق ترک و بازگشت به وطن، حق داشتن ملیت، حق آزاد بودن در رفت و آمد با اقامت، حق آزادی عقیده و بیان، حق آزادی تشکیل مجمع و یا انجمن مسالمت‌آمیز.

د - هرگونه اقدام از جمله اقدامات قانونی که منظور از آن‌ها تقسیم جمعیت بر

اساس مرزهای نژادی از طریق ایجاد جایگاه‌ها و محله‌های جداگانه برای اعضای گروه یا گروه‌های نژادی، ممنوعیت ازدواج‌های مختلط در بین اعضای گروه‌های نژادی مختلف، سلب مالکیت ارضی از اعضای یک گروه یا گروه‌های نژادی باشد...»^{۶۹}

مبانی زیادی وجود دارد که نشانگر مغایرت ساخت دیوار با کنوانسیون آپارتاید می‌باشد. دیوار مردم را بر اساس نژاد و قومیت آن‌ها تقسیم می‌نماید. مسیر دیوار نه تنها نوعی تفکیک به شمار آمده بلکه نوعی تبعیض را بر اساس مبانی نژادی انجام می‌دهد، زیرا منافع جمعیت مهاجر اسرائیلی که به صورت غیرقانونی سکنی گزیده‌اند، نسبت به منافع و حقوق فلسطینیان اهمیت داده می‌شود.

در بسیاری از موارد به کشاورزان اجازه دسترسی به زمین‌ها و به تجار اجازه دسترسی به بازارها داده نشد و دیوار موجب گردیده که مصرف‌کنندگان به کشاورزان و تجار دسترسی نداشته باشند. در مرحله اول همچنین ۱۶ روستا از کرانه باختری جدا گردیده، به نحوی که مابین دیوار و خط سبز قرار گرفته‌اند. این امر موجب محرومیت آن‌ها از دسترسی به خدمات اساسی همانند بهداشت، آموزش یا کار گردیده است.

۶. آیا ساخت دیوار نسل‌کشی به شمار نمی‌آید؟

آیا می‌توان واژه نسل‌کشی را به ساخت دیوار در کرانه باختری توسط اسرائیل تعمیم بخشید؟ بر اساس حقوق بشر:

«نسل‌کشی به مفهوم هرگونه از اعمال ذیل می‌باشد که با قصد نابودی تمام یا بخشی از یک گروه ملی، نژادی، قومی یا مذهبی ارتکاب یابد:

الف - قتل اعضای یک گروه؛

ب - ایجاد رنج بدنی یا روحی عظیم برای اعضای آن گروه؛

ج - اثرگذاری ارادی بر شرایط زندگی یک گروه با این قصد که گروه به کلی یا به

^{۶۹} ماده ۲ کنوانسیون بین‌المللی در خصوص مقابله و مجازات جرم آپارتاید (۱۹۷۳)

طور جزئی دچار نابودی فیزیکی گردد.

د - تحمیل اقداماتی که با قصد پیشگیری از زاد و ولد در یک گروه باشد.

ه - انتقال اجباری کودکان یک گروه به گروه دیگر.^{۷۰}

اسرائیل کنوانسیون پیشگیری و مجازات جنایت نسل‌کشی (۱۹۴۸) را امضا و به تصویب رسانیده است. دو سؤال در ارتباط با رفتار اسرائیل با مردم فلسطین مطرح می‌گردد: اول اینکه آیا دولت اسرائیل «قصد نابودی» فلسطینیان را دارد؟ دوم اینکه کلمه «نابودی» دقیقاً به چه مفهومی است؟ آیا صرفاً به نابودی فیزیکی اشاره داشته و یا اینکه مفهوم وسیع‌تری را شامل گردیده و به کشتار مردم نیز اشاره دارد؟

در خصوص قصد باید بیان داشت که «قصد نسل‌کشی همچنین قابل اعمال به آن دسته از اعمال مستوجب نابودی گردیده که دارای هدف مشخصی نمی‌باشد و پی‌آمد قابل پیش‌بینی و یا محصول یک سیاستی می‌باشند که امکان جلوگیری از آن با تغییراتی در آن سیاست وجود دارد. پیروی ارادی و عالمانه از هر سیاستی که منتج به نابودی گروه بیشتری می‌گردد اثبات‌کننده قصد نسل‌کشی است».^{۷۱}

در مورد مفهوم «نابودی» این نویسندگان از خود همچنین پرسیده‌اند که آیا «بدین گونه»^{۷۲} به کلمه قبلی یعنی واژه گروه نیز اشاره داشته و مراد نابودی افراد به عنوان یک گروه مشترک مد نظر بوده و نه الزاماً نابودی اعضای گروه؟ «یکی از مصادیق نسل‌کشی» انتقال اجباری کودکان یک گروه به گروه دیگر می‌باشد. این عمل مستلزم قتل اعضای گروه نمی‌باشد لیکن بقای آن گروه به عنوان یک گروه را به مخاطره افکنده و یکی از مصادیق نسل‌کشی به شمار می‌رود.

مشکل اصلی اثبات قصد است. تنها کافی نیست که بیان بداریم هیچ قصدی وجود ندارد، یکی از راه‌حل‌های احتمالی تحلیل موضوع بر اساس نتایج

^{۷۰} ماده ۲ کنوانسیون مربوط به پیشگیری و مجازات جنایات نسل‌کشی (۱۹۴۸)

^{۷۱} Gellateli, Robert: Kiernan, Ben, "The Study of Mass Murder and Genocide", in: Gellateli, Robert: Kiernan, Ben (Eds): *The Specter of Genocide*, Cambridge University Press, Cambridge, 2003, pp. 15-16.

^{۷۲} as such

سیاست‌های اعمال شده است. از دیدگاه شورای امنیت ملل متحد، عنصر ضروری قصد را می‌توان از حقایق موجود استنباط کرد. در برخی موارد مدارکی در خصوص فعل یا ترک‌فعل‌هایی وجود داشته که به طور منطقی، متهم می‌بایست از آثار رفتار خویش مطلع می‌بوده است و این امر احرازکننده قصد به شمار می‌آید.^{۷۳}

از دیدگاه یک نویسنده دیگر «... نسل‌کشی مشتمل بر آن دسته از رفتارهایی گردیده که آثار قابل پیش‌بینی و یا احتمالی آن‌ها نابودی کلی یا جزئی یک گروه می‌باشد. بدون اینکه نیاز باشد نشان داده شود که نابودی هدف آن رفتار بوده است».^{۷۴}

نقض‌های روزمره حقوق بشر توسط نیروی دفاعی اسرائیل از سوی دولت اسرائیل مجازات نمی‌گردد و این امر نشانگر رضایت آن دولت با اقدامات نظامی مزبور است. به طور مثال «از ۲۲۳۵ فلسطینی که به دست نیروی دفاعی اسرائیل کشته شده‌اند، تنها در مورد ۸ تن آن‌ها کیفرخواست‌های مطروحه علیه سربازان پذیرفته شده، و تاکنون هیچ شخصی در این ارتباط محکوم نگردیده است».^{۷۵}

قاضی دادستانی کل سرلشکر «مناهام فین‌کلشتاین» بر آن مورد اشاره داشته است: «هنگامی که ما از فعالیت نظامی در شدیدترین نوع آن سخن می‌رانیم انجام ۲۰۰۰ بازجویی که قسمت اعظم آن موارد مربوط به قتل می‌باشد، ناممکن است».^{۷۶}

بنابراین وی تصمیم گرفته که جریان رسیدگی مربوط به قتل را بدون هرگونه پیش فرضی مبتنی بر بیگناهی قربانیان، متوقف سازد.

برخی اقدامات دیگر نیروی دفاعی اسرائیل و دولت اسرائیل نشانگر هدف قرار گرفته شدن فلسطینیان به عنوان یک گروه خاص از طریق تهمت‌های نژادپرستانه،

⁷³ United Nations, Security Council S/1994/674 - 27 may 1994.

⁷⁴ Richarda Roos, Stefanie: "Development Genocide and Ethnocide: Does International Law Cartail Development. Induced Displacement through the Prohibition of Genocide and Ethnocide?", *Human Rights Brief*, (Washington, Volume 9 Issue 3) Spring, 2002.

⁷⁵ Levy, Gideon, "When Killing Becomes Routine", *Haaretz*, editorial, July 13, 2003.

⁷⁶ Quoted in: Levy, Gideon, "When Killing Becomes Routine", *Haaretz*, editorial. July 13, 2003.

حمله به اماکن مقدس، تخریب ساختمان‌های مذهبی، نابودی خانه‌های فلسطینیان و با خاک یکسان کردن زمین‌های کشاورزی، استنکاف از اعطا حقوق شهروندی، بازداشت خودسرانه گسترده، کنترل و بهره‌برداری غیرقانونی از منابع طبیعی فلسطینیان، سوءاستفاده گفتاری از طریق نامیدن فلسطینیان به عنوان یک فلسطینی، ممانعت از دسترسی به خدمات بهداشتی از جمله خدمات مربوط به پیش از زایمان و مراقبت‌های پس از زایمان و محدودیت گسترده نسبت به زاد و ولد فلسطینیان می‌باشد.

لازم به ذکر است که نیروی دفاعی اسرائیل به دولت وابسته بوده و مسؤول فعل یا ترک فعل آن می‌باشد. این مصونیت از مجازات و این اقدامات نظامی حاکی از وجود «قصد» می‌باشد. دولت اسرائیل ممکن نیست صراحتاً اعلام دارد که هدفش نابودی مردم فلسطین است بلکه آثار اعمالش (از جمله آثار مربوط به ساخت دیوار) منتج به نابودی فلسطینیان به عنوان یک گروه فلسطینی می‌گردد. این امر نسل‌کشی محسوب می‌گردد.

بسیار دشوار است که نخواهیم نتیجه‌گیری کنیم که دولت اسرائیل به دنبال نابودی جامعه فلسطینی به عنوان یک اجتماع می‌باشد. بنابراین مفهوم «نسل‌کشی» قابل اعمال در قضیه فلسطین است حتی چنانچه به آثار ساخت دیوار توجه شود.

۷. ساخت دیوار به عنوان یک جنایت

به موجب حقوق بشردوستانه بین‌المللی ساخت دیوار یک جنایت جنگی به شمار می‌آید. اعمالی همانند نابودی اموال در حقوق بشردوستانه به عنوان نقض فاحش حقوق و یا «جنایت جنگی» قلمداد می‌شود. اعمالی که «علیه اشخاص یا اموال مورد حمایت کنوانسیون انجام می‌پذیرد... نابودی گسترده و مصادره اموال که بر اساس ضرورت‌های جنگی قابل توجیه نیست و به صورت غیرقانونی و بی‌دلیل صورت پذیرفته نیز جنایت جنگی به شمار می‌آید.^{۷۷} کنوانسیون مقابله و مجازات جنایت

^{۷۷} ماده ۱۴۷ کنوانسیون چهارم ژنو (۱۹۴۹)

آپارتاید مشخص می‌نماید که آپارتاید «جنایتی علیه بشریت بوده و اعمال غیرانسانی که ناشی از سیاست‌ها و رویه‌های آپارتاید و نیز سیاست‌ها و روش‌های مشابه جدایی نژادی و تبعیض به نحوی که در ماده ۲ این کنوانسیون تعریف شده است، می‌باشد که اصول حقوق بین‌الملل و به ویژه اهداف و اصول منشور ملل متحد را نقض می‌کنند و نیز تهدیدی جدی علیه صلح و امنیت بین‌المللی به شمار می‌آیند».^{۷۸}

جرم نسل‌کشی «چه در زمان صلح ارتکاب یافته و چه در زمان جنگ بر اساس حقوق بین‌الملل جرم به شمار آمده و دولت‌های عضو کنوانسیون متعهد به پیشگیری و مجازات افراد متهم می‌باشند».^{۷۹} طبق ماده ۱ کنوانسیون مواردی که قابل مجازات هستند نه تنها شامل خود نسل‌کشی می‌گردد بلکه تبانی برای ارتکاب نسل‌کشی، تحریک مستقیم و عمومی برای ارتکاب نسل‌کشی، تلاش برای ارتکاب نسل‌کشی و مشارکت در نسل‌کشی را نیز شامل می‌شود.^{۸۰}

به علاوه اساسنامه دیوان بین‌المللی کیفری^{۸۱} تصریح دارد که «نابودی گسترده و مصادره اموال که بر اساس ضرورت‌های نظامی قابل توجیه نبوده و به صورت غیرقانونی و بی‌دلیل انجام شده‌اند»^{۸۲} یک جنایت جنگی محسوب می‌گردد.

۸. بحث و بررسی

پس از بازدید از کرانه باختری و مطالعه بسیاری از مطالب تهیه شده توسط برخی سازمان‌های غیردولتی فلسطینی و بین‌المللی اثبات می‌شود که ساخت دیوار هم بر اساس حقوق بشردوستانه بین‌المللی و هم طبق حقوق بشر غیرقانونی است. همچنین روشن است که استعمال برخی کلمات همانند نسل‌کشی یا آپارتاید در خصوص دیوار از منظر حقوقی بی‌اشکال می‌باشد.

^{۷۸} ماده ۱ کنوانسیون بین‌المللی در خصوص مقابله و مجازات جرم آپارتاید (۱۹۷۳)

^{۷۹} ماده ۱ کنوانسیون پیشگیری و مجازات جنایت نسل‌کشی (۱۹۴۸)

^{۸۰} ماده ۳ کنوانسیون پیشگیری و مجازات جنایت نسل‌کشی (۱۹۴۸)

^{۸۱} اسرئیل اساسنامه را امضا نموده لیکن آن را تصویب نکرده است.

^{۸۲} ماده ۸ اساسنامه رم در خصوص دیوان کیفری بین‌المللی (۱۹۹۸)

توجیه امنیتی موضوع از سوی اسرائیلی‌ها نیز بهانه‌ای بیش نمی‌باشد، زیرا تأمین صلح بر اساس راه‌حل‌های نظامی و اقدامات «امنیتی ممکن نیست، بلکه تضمین صلح منوط به پایان بخشیدن به اشغال و پذیرش حقوق مورد پذیرش بین‌المللی مردم فلسطین می‌باشد»... در این خصوص برخی دیگر نیز اظهار تردید نموده‌اند. به عقیده اینان «بسیاری از شهادت‌طلبان از ایستگاه‌های بازرسی عبور نموده و دیوار نمی‌تواند مانعی بر سر راه افراد مصمم به انجام عملیات تروریستی در اسرائیل به شمار آید».^{۸۳}

استدلال دیگر که نفی‌کننده دیوار به عنوان یک مانع امنیتی است به تاریخ طرح اولیه پروژه از سال ۱۹۷۳ باز می‌گردد. به عبارت دیگر مسیر دیوار بر اساس طرح‌های شهرک‌سازی و در داخل دره اردن تعیین گردیده است و عدول از خط سبز محسوب می‌گردد. همچنین تعارضی بین حقوق دو گروه یعنی حق حیات اسرائیلی‌ها و حق مالکیت فلسطینیان وجود دارد.

اسرائیل ساخت دیوار را در سازمان ملل متحد توجیه نموده است و استدلال کرده که «مصادره زمین‌ها برای زمینه‌سازی ساخت موانع مناسب است و با توجه به تعداد کشته‌شدگان و مجروحان شهروندان اسرائیلی قابل پذیرش است و با حقوق داخلی و بین‌المللی منطبق می‌باشد». اسرائیل همچنین ادعا می‌نماید که «تکمیل موانع در حقیقت به نیروی مسلح اسرائیل اجازه می‌دهد حضور خویش را در کرانه باختری کاهش داده و موانع جاده‌ای و ایستگاه‌های بازرسی را حذف نماید، مسأله‌ای که نتیجتاً منجر به افزایش سطح عمومی شرایط انسانی در کرانه باختری می‌شود».^{۸۴}

کلیه دولت‌های عضو کنوانسیون‌های ژنو از جمله اسرائیل موظف هستند که اعمال حقوق بشردوستانه را تضمین نمایند و بر این اساس «دولت‌های معظم متعاقد

⁸³ Dugard, "Question...", *op. cit.*

⁸⁴ United Nations, General Assembly: "Report of the Secretary - General Prepared Pursuant to General Assembly Resolution", ES-10/13. November 24, 2003.

پذیرفته‌اند که اجرا و رعایت کنوانسیون حاضر را تحت کلیه شرایط تضمین نماید.^{۸۵} از آنجا که ساخت دیوار غیرقانونی است کلیه دولت‌هایی که عضو کنوانسیون‌های ژنو می‌باشند مسئولیت دارند که به منظور متوقف نمودن ساخت دیوار و آثار آن بر فلسطینیان مداخله نمایند. همچنین «در کنوانسیون بین‌المللی در خصوص مقابله و مجازات جرم آپارتاید» کلیه دولت‌های عضو متعهد به پیشگیری و مجازات سیاست‌ها و رویه‌های آپارتاید می‌باشند.

با عنایت به ارتباط تنگاتنگ دیوار و سیاست‌های آپارتایدی اسرائیل شایان ذکر است که مسئولیت کیفری صرفنظر از انگیزه اشخاص، اعضای سازمان‌ها و مؤسسات و نمایندگان دولت ایجاد می‌شود، خواه این افراد مقیم در سرزمین دولتی باشند که اعمال در آن ارتکاب می‌یابد و خواه در سایر دولت‌ها.^{۸۶} این دسته از افراد باید مجازات گردند «چه این افراد در سرزمینی دولتی که اعمال در آن‌ها ارتکاب می‌یابد باشند و چه اینکه تبعه آن دولت و یا دولت‌های دیگر و حتی افراد بی‌تابعیت باشند».^{۸۷} دولت‌های عضو این کنوانسیون پذیرفته‌اند که «بتوانند از هر ارگان ذی‌صلاح ملل متحد جهت اتخاذ اقدامات مناسب برای پیشگیری و مقابله با جنایت آپارتاید به موجب منشور ملل متحد را درخواست نمایند».^{۸۸}

علی‌رغم وجود این گونه قواعد و تعهدات مشخص در حقوق بشر دوستانه و کنوانسیون آپارتاید، «جامعه بین‌المللی» به سکوت خویش در قبال وضعیت فلسطین و همچنین دیوار ادامه داده است.

نتیجتاً گز ارشگر ویژه، مطرح می‌سازد که «زمان آن فرا رسیده که ساخت دیوار به عنوان یک عمل ضمیمه‌سازی غیرقانونی محکوم گردد اقدامی که مغایر با قطعنامه‌های ۴۷۸ (۱۹۸۰) و ۴۹۷ (۱۹۸۱) شورای امنیت می‌باشد. قطعنامه‌هایی که اعلام می‌دارند اقدامات اسرائیل با هدف انضمام شرق بیت‌المقدس و بلندی‌های

^{۸۵} ماده ۱ مشترک کنوانسیون‌های چهارگانه ژنو (۱۹۴۹)

^{۸۶} ماده ۳ کنوانسیون بین‌المللی در خصوص مقابله و مجازات جنایت آپارتاید (۱۹۷۳)

^{۸۷} ماده ۴ کنوانسیون بین‌المللی در خصوص مقابله و مجازات جنایت آپارتاید (۱۹۷۳)

^{۸۸} ماده ۸ کنوانسیون بین‌المللی در خصوص مقابله و مجازات جنایت آپارتاید (۱۹۷۳)

جولان باطل و بلااثر می‌باشد و نباید توسط دولت‌ها به رسمیت شناخته شود.^{۸۹} در کنار مسأله ساخت دیوار، آثار مخرب آن نیز یعنی تبعید و انتقال اجباری مردم فلسطین از طریق فراهم آوردن شرایط زندگی بی‌ثبات می‌باشد موضوعی که به سرعت پس از مرحله اول ساخت دیوار حادث شده است. در این خصوص گزارشگر ویژه بیان می‌دارد، «دیوار نسل جدیدی از پناهندگان و یا افراد بی‌خانمان داخلی را به وجود می‌آورد».^{۹۰}

جامعه بین‌المللی زمان بسیار زیادی را صرف بررسی موضوع تروریسم می‌نماید، لیکن برخی مواقع به طور عمدی بررسی مسأله اشغال را فراموش می‌کند. در مورد فلسطین افرادی که به دنبال بررسی مسأله اشغال نیستند از لحاظ اخلاقی هیچ حقی نیز برای بررسی موضوع تروریسم ندارند.

سیستم حقوق بشر موجود تا حدودی معلول رفتارهای خشن و سایر جنایات ارتكابی در حین جنگ جهانی دوم می‌باشد. سیستم کنونی به دنبال حمایت از قربانیان جنگ است: حمایت از هر شخصی از طریق اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸)، حمایت از جمعیت غیرنظامی از طریق کنوانسیون چهارم ژنو (۱۹۴۹)، حمایت از آوارگان از طریق کنوانسیون مربوط به وضعیت پناهندگان (۱۹۵۱)، حمایت از گروه‌های ملی، نژادی، قومی یا مذهبی از طریق کنوانسیون پیشگیری و مجازات از جنایت نسل‌کشی (۱۹۴۸). علی‌رغم این دسته از تلاش‌های عظیم در جهت صیانت از حیثیت افراد در آغاز هزاره جدید برخی اقدامات همانند سیاست‌های آپارتاید هنوز صورت می‌پذیرد.

اخیراً تلاش‌هایی از سوی جامعه بین‌المللی برای خاتمه بخشیدن به ساخت دیوار انجام گرفته است. به طور مثال تلاش قطعنامه شورای امنیت علیه ساخت دیوار که با وتوی ایالات متحد عقیم ماند. تلاش‌های دیگری نیز صورت پذیرفته است. به طور مثال قطعنامه مجمع عمومی علیه ساخت دیوار (۲۱ اکتبر ۲۰۰۳)،^{۹۱}

⁸⁹ Dugard, "Question of the...", *op. cit.*

⁹⁰ *Ibid.*

⁹¹ قطعنامه ES-10/13 مجمع عمومی ملل متحد «از اسرائیل تقاضا نمود که ساخت دیوار را -

گزارش ملل متحد که غیرقانونی بودن دیوار را مورد تأیید قرار می‌دهد (۲۴ نوامبر ۲۰۰۳) و درخواست مجمع عمومی از دیوان بین‌المللی دادگستری جهت صدور نظریه مشورتی در خصوص مشروعیت دیوار (۷ دسامبر ۲۰۰۳).

در گزارش مذکور مورد پذیرش قرار گرفته که در برخی مکان‌ها دیوار ۲۲ کیلومتر از خط سبز فاصله می‌گیرد و انتظار می‌رود در این مناطق ۳۲۰/۰۰۰ اسرائیلی مهاجر سکنی گزینند. این گزارش همچنین بیان می‌دارد که مصادره زمین‌ها اغلب همان روزی انجام می‌پذیرد که دستورها امضا می‌شوند و بنابراین به کشاورزان هیچ ابلاغ قبلی نمی‌گردد. بسیاری از دروازه‌ها صرفاً سه بار در روز گشوده می‌شوند و آن هم تنها برای پانزده دقیقه. این گزارش نتیجه‌گیری می‌کند تا آن تاریخ ۳۰ شهر از خدمات بهداشتی، ۲۲ شهر از مدرسه، ۸ شهر از منابع آب و ۳ شهر از خدمات برق محروم گردیده‌اند.^{۹۲}

دولت اسرائیل از اعمال حقوق بین‌الملل در سرزمین‌های اشغالی فلسطین در داخل اسرائیل ممانعت به عمل می‌آورد. دولت اسرائیل به عنوان یک دولت مذهبی و نه یک دولت مدرن از پذیرش حقوق مدنی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مردم فلسطین خودداری می‌کند. با تقسیم‌بندی دوگانه تابعیت، اعطای حقوق در این کشور منوط به وجود ارتباط بین اشخاص و دولت نیست بلکه منوط به وجود ارتباط بین افراد مذهبی و دولت است، مسأله‌ای که به مفهوم نفی دموکراسی است.

اسرائیل از پذیرش وضعیت دولت اشغالگر در کرانه باختری و نوار غزه خودداری می‌کند. چنانچه این مناطق سرزمین موعود آن‌ها به شمار می‌آید، چگونه ممکن است که اشغالگر سرزمین موعود خویش باشند؟

دلیل مهم برای اسرائیل این است که اعمال حقوق بین‌الملل نه تنها به مفهوم مسؤولیت بیشتر به دلیل وجود وضعیت اشغال است بلکه خود به مفهوم نفی

← متوقف ساخته به حالت اولیه بازگرداند.» به این قطعنامه تنها چهار کشور رأی منفی دادند. (ایالات متحده آمریکا، اسرائیل، جزایر مارشال و جزایر میکرونزی)

⁹² United Nations, General Assembly: "Report of the Secretary - General prepared Pursuant to General Assembly Resolution", ES-10/13, November 24, 2003.

اسرائیل به عنوان یک دولت یهودی می‌باشد. صرفنظر از دیوار حائل، سؤال اساسی این خواهد بود که با توجه به آثار دیوار چگونه این دولت در آن واحد هم یک دولت مدرن به شمار آمده و هم یک دولت مذهبی. مطمئناً قربانی اصلی این ابهام فلسطینیان خواهند بود.



JOURNAL OF LEGAL RESEARCH

VOL. II, NO. 2

2003-2

Articles

- Saddam's Trial and the Question of Jurisdiction in National and International Law
- Judgment of the International Court of Justice in the Oil Platforms Case: Judicial Diplomacy in International Justice
- Construction of the Wall in Palestinian Occupied Territories: the Question of its Legitimacy in the Shadow of Human Rights and Humanitarian Law
- Multilateral Investment Guarantee Agency (MIGA) and Standards of Foreign Investment
- How to Apply the Principle of Non-Refoulement in front of War Refugees?
- Legal Nature of Bank Guarantee in the Iranian Law

Special Issue : International Law and the Establishment of Nuclear Security

- Nuclear Security and Non-Proliferation in International Customary Law
- Nuclear Weapons as a Point of Coincidence of *Jus ad bellum* and *Jus in bello*
- The Place of Provisional Application of the Additional Protocol to NPT in the Iranian Public Law
- The Protection of Nuclear Installations in Armed Conflicts

Critique and Presentation

- Decision of the General Board of the Supreme Court about Hearing of Insolvency Claim Before Imprisonment in Context of Iran's International Obligations



S. D. I. L.

The S.D. Institute of Law
Research & Study